

## حوادث

## نابناک

### به جای ترس از زلزله، آموزش را فرا بگیریم

**سعید درویشی**

فقط و فقط هشدار دادن درباره زمین لرزه تهران به چه درد مردم می خورد؟ آیا تصور می کنیم با گفتن جملات «وقوع زمین لرزه در تهران قطعی است»، «اگر در تهران زمین لرزه شود هزاران نفر کشته می شوند»، «زمین لرزه فیروزکوه به زمین لرزه تهران ربط دارد یا ندارد؟»

توانسته ایم به مردمی کمک کرده باشیم که صبح تا شب ده‌ها مشغله در کار و زندگی دارند؟ آیا مسئولان، رسانه‌های ارتباط جمعی و ... با



گفتن جملات تکراری که دیگر جذابیتی برای بیننده و شنونده ندارد، گمان می‌کنند رسالت خود را در قبال یک فاجعه احتمالی به نحو احسن انجام داده‌اند؟

اصلا باید از برخی افراد که دلسوزانه دم از زمین لرزه و تبعات آن می‌زنند پرسید: "خودشان چه قدر با کمک‌های اولیه آشنا هستند؟ چند ساعت دوره آموزشی کمک‌های اولیه را گذرانده‌اند؟ آیا اصلا می‌دانند که موقع زمین لرزه اگر در خانه باشند باید زیر میز پناه بگیرند یا داخل چارچوب در بایستند؛ کدام غلط است کدام درست؟" البته در چند سال اخیر برخی از خبرنگاران تهرانی که اخبار هلال احمر را پوشش می‌دهند در دوره‌های کمک‌های اولیه و امداد ونجات شرکت کردند و خوشبختانه می‌توان امیدوار بود که در گزارش‌های‌شان عالم بی‌عمل نخواهند بود و دانسته و آگاهانه زوایای پیشگیری و مقابله با زمین لرزه را برای مردم تشریح خواهند کرد.

اما همه این‌گونه نیستند و از آنجایی که فقط نیمه خالی لیوان را می‌بیند پس به فکر آن نیمه دیگر که می‌تواند پر باشد نسیتند. یعنی فقط زلزله را می‌بینند اما به ذهن‌شان خطور نمی‌کند که این زمین لرزه پیش و پس هم دارد یعنی خیلی پیش‌تر از وقوع زمین لرزه و پس از آن که دوره بازتوانی و بازسازی می‌رسد می‌توان به مردم آموزش داد که موقع زمین لرزه باید چه عکس‌العملی داشته باشند تا جان خود و اطرافیان‌شان آسیب نبیند. حال بماند که علاوه بر تامین سلامت افراد در موقع زمین لرزه، نهاد‌های دیگری نیز وجود دارند که مسئولیت امنیت و مقاومت خانه‌های مردم در دست آنهاست و متصدیان و مسئولین این بخش‌ها می‌توانند با نظارت‌های‌شان به نوبه خود در امر پیشگیری از تلفات و خسارات زمین لرزه سهیم باشند.

جمعیت هلال احمر از هر فرصتی برای آموختن کمک‌های اولیه مخصوصا به سنین نوجوان و جوان که عضو سازمان جوانان هلال احمر هستند بهره برده است اما جامعه ۷۸ میلیونی ایران فقط در دانش آموزان و دانشجویان خلاصه نمی‌شود و خطر زمین لرزه میلیون‌ها ایرانی را در هر گوشه‌ای از این مملکت پنهان و تهدید می‌کند. در هفته‌های اخیر نیز در یکی از برنامه‌های صبحگاهی شبکه ۳ سیما بخشی گنجانده شده که مریی امداد ونجات جمعیت هلال احمر کمک‌های اولیه در حوادث مختلف را به بینندگان برنامه آموزش می‌دهد.

همه این کارها مهم است اما مهم‌تر این است که باید اهمیت «آموزش مقابله با زمین لرزه» را همیشه و هر روز در گوش مردم نجوا کرد. ترساندن مردم از زمین لرزه و وحشت آنان از این غول پرقدرت چه حاصلی می‌تواند در آینده داشته باشد؟ محصول آموزش در زمان آرامش قطعا در روزها و شب‌های زمین لرزه درو خواهد شد، آنجا که زمین لرزه شرمنده دانش انسان‌ها می‌شود و به جای آشک بی‌حاصل، لبخندی زیبا بر چهره انسان‌های آگاه و بیداری نقش می‌بندد که علاج واقعه قبل از وقوع کرده بودند.

# تکذیب‌هایی که یک زائورا «شبح» نشان می‌دهند!

تاملی بر مرگ مشکوک مادر سلماسی در بیمارستان



یک نکته مهم را ندیده گرفته بودند؛ نکته‌ای که با دقت در خبر اولیه می‌توان به آن پی برد. آن گونه که «روز نو» روایت کرده، ماجرا از این قرار بوده: «در بیمارستانی در شهرستان سلماس، یک زن حامله که به تشخیص دکتر باید با عمل جراحی فرزند خود را به دنیا می‌آورد، به دلیل نداشتن هزینه های عمل مجبور به زایمان طبیعی شده و جان خود را از دست داد. همسر این زن که «ولی» نام دارد، کارگر روزمزدی است که در باره این ماجرا می‌گوید: بیمارستان برای عمل

هرچقدر شواهد و قرائن حکایت از آن دارند که مادر بارداری بر اثر اشتباه کادر درمانی از یکی از بیمارستان‌های سلماس (از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی) جان باخته، مسئولان اصرار دارند که وقوع چنین حادثه‌ای را تکذیب کنند! به گزارش «تابناک»، به تازگی خبری در برخی رسانه‌ها منتشر شده که حکایت از فوت زنی باردار در یکی از بیمارستان‌های هاش شهرستان سلماس را دارد و علت حادثه، ناتوانی همسروی در پرداخت هزینه‌های وضع حمل این زن به‌شیوه جراحی یا همان سزارین ذکر شده است. خبری که به فاصله چند ساعت از انتشار، تکذیب شد تا دکتر یعقوب مطلوب سلماسی، مدیر شبکه بهداشت و درمان سلماس در این باره به خبرنگاران بگوید: «چنین اتفاقی در بیمارستان سلماس روی نداده است و خبری که درج گردیده، کذب می‌باشد.» البته این تکذیب ابعاد دیگری هم یافت چرا که برخی رسانه‌ها به سراغ بعضی از مسئولان و کارکنان بیمارستان سلماس رفتند و در گفت‌وگو با ایشان، خبر مرگ زانوی باردار در این بیمارستان را کذب خواندند تا این سوال به وجود آید که چگونه چنین دروغ آشکار رسانه‌ای شده است؟ غافل از آنکه به رغم همه این تکذیب‌ها، ماجرا حقیقت داشته و تکذیب‌کنندگان

### دوئل خونین دزد و پلیس در جنت آباد

به محل رسیدند و دزدان با دیدن آنان پا به فرار گذاشتند. دزدان بدون اعتنا به اخطار پلیس با سرعت در حال فرار بودند تا اینکه وارد کوچه شدند. وقتی دو دزد خود را گرفتار دیدند، با گاز اشک‌آور، چوب و شمشیر به سمت مأموران حمله کردند که با شلیک دو تیر هوایی از سوی یکی از ماموران دزدان دوباره پا به فرار گذاشتند و وقتی به ایست توجعی نکردند، یکی از مأموران چهار تیر از کمر به پایین به یکی از دزدان شلیک کرد که به کمر، پهلو و ران اصابت کرد و دزد زخمی که اصرار به فرار داشت

روی زمین افتاد و همدستش با حمله کردن به مأمور دیگر و وارد کردن ضربه چوب از محل گریخت. پس از انتقال مأموران به مراکز درمانی، در بررسی‌های پلیسی مشخص شد «علی» دزدی سابقه‌دار است.



### پسر جوان بارضایت اولیای دم از دار مکافات نجات یافت

راهم شد. من هم بوق زدم و عصبانی شدم، ولی عصبانیت او از من بیشتر بود و از ماشین پیاده شد. او به سمت من حمله‌ور شد و من هم برای دفاع از خودم با جک ماشین ضربه‌ای به سرش زدم و از ترس فرار کردم. با اعتراف این مرد پرونده وی پس

از بازسازی صحنه قتل و صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. متهم در این دادگاه با حکم قضات دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد. این حکم به تأیید هیئت قضایی شعبه ۴۲ دیوان عالی کشور رسید و قرار بود که اجرا شود که در روزهای آخر، خانواده اولیای دم رضایت خود را اعلام کردند. بنابراین صبح دیزوز متهم این بار از جنبه عمومی جرم در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد و در پایان این جلسه هیئت قضایی وارد شور شدند تا حکم نهایی در این خصوص را صادر کنند.

### زورگیری از کارگران زحمتکش در خانه مجردی

شاکی در ادامه گفت؛ دقایقی از حضور من نگذشته بود که دو نفر دیگر وارد منزل شدند و با زورگیری و ضرب و شتم من گوشی موبایل و پول‌های بنده را به سرقت بردند من نیز محل را ترک و امروز با زیر نظر گرفتن منزل آنها یکی از زورگیران را شناسایی و بلافاصله با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم. ماموران بلافاصله رسیدند و متهم که از امان ۲۷ ساله نام داشت را دستگیر کردند. سرگرد امینی افزود: متهم پس از دستگیری به کلانتری منتقل شد و در این زمینه پرونده‌ای تشکیل و جهت سیر مراحل قانونی به مقام قضایی ارجاع شد. بنا به دستور بازپرس

دادسرای ناحیه ۱۴ تهران مقرر شد پرونده جهت تحقیقات بیشتر و کشف سایر جرایم متهم و همچنین شناسایی و دستگیری سایر همدستانش در اختیار کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار بگیرد.



میزان- زورگرانی که با فریب کارگران و متقاعد کردن آنها برای رفتن به خانه مجردی از آنان زورگیری می‌کردند، در عملیات پلیس پایتخت دستگیر شدند. سرگرد محمدحسین امینی، رئیس کلانتری ۱۵۹ بی‌سیم در این باره گفت: ساعت ۱۵ و ۲۵ دقیقه هشتم شهریورماه ماموران گشت انتظامی یگان کلانتری ۱۵۹ هنگام گشت‌زنی در خیابان ۱۷ شهریور بودند که فردی سراسیمه خود را به ماموران رساند و با معرفی خود به نام "صادق" گفت: یک کارگر ساختمانی هستم که از شهرستان برای کار در ساختمان به تهران آمده‌ام اما دیزوز در پارک وقتی در حال استراحت بودم پسر ی جوان به من مراجعه کرد و با بیان این موضوع که کارگر ساختمانی است و یک منزل مجردی را به اتفاق چند کارگر ساختمانی دیگر اجاره کردند، از بنده خواست که برای استراحت به منزل آنها بروم و در آنجا استراحت کنم.

### پلمپ ۲۵۲ باشگاه بدنسازی غیر مجاز در تهران

نصب دوربین مدار بسته در فضای باشگاه، ایجاد مزاحمت برای همسایگان و کسبه محوده، نداشتن جواز کسب و کارت بیمه ورزشی، استفاده نکردن از مربی متخصص و دارای مدرک، ارتباط نداشتن با پزشک و مشاور ورزشی،



فروش و توزیع دارو، مکمل و پودرهای غیر مجاز بدنسازی، استفاده از پوسته‌های برهنه و نیمه برهنه، پخش موسیقی‌های غیر مجاز، تجمع ارادل و اوباش، ارائه خدمات خارج از سرویس کاری به مشتریان و انتشار تصاویر خارج از شئونات اسلامی از جمله تخلف‌های این واحدهای صنفی است. فرمانده انتظامی تهران بزرگ با اشاره به این مطلب که فدراسیون پزشکی ورزشی کشور اعلام کرده است که هیچ باشگاهی حق عرضه مکمل‌های ورزشی ندارد، گفت: حدود دو سال است که باشگاه‌های دارای مجوز و معتبر، مبادرت به فروش و استفاده مکمل‌های بدنسازی نمی‌کنند.

### چرا منتظریم تا خطر را نشانمان دهند؟

در حالی کارشناسان بارها نسبت به استفاده از کپسول‌های گاز مایع در خودروها هشدار داده‌اند و اخبار فراوانی درباره حوادثی که حین سوخت‌گیری خودروها با کپسول‌های گاز مایع منتشر شده، همچنان بسیاری از رانندگان به کار خود ادامه می‌دهند؛ گویی منتظرند تا یکی از راه رسیده و خطر را نشانمان دهد!

